

سیاست‌های وقفی عصر نادر و موقوفات آستان قدس‌رضوی

زهرا فاطمی مقدم^۱

چکیده

دوره‌ی حکومت نادر (۱۱۴۸-۱۱۶۰ق). اگرچه کوتاه‌تر از آن بود که بتواند منشأ تغییرات عمدۀ‌ای در ساختارهای مختلف جامعه‌ی ایران گردد، اما اجرای برخی سیاست‌ها در زمینه‌ی موقوفات سبب بروز تأثیرات چشمگیری بر این نهاد گردید. در این میان آستان قدس‌رضوی به عنوان بزرگ‌ترین مجموعه‌ی موقوفاتی کشور از این تأثیرات بی‌نصیب نماند. بررسی چگونگی تأثیر سیاست‌های حکومت افشاریه در محدوده‌ی زمانی حکومت نادر بر موقوفات آستانه و به دنبال آن بر تشکیلات اداری این مجموعه هدف کلی این تحقیق است. در این مسیر تلاش شده با بهره‌گیری و تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود اسناد به بررسی این جریان پردازیم.

کلیدواژه‌ها سیاست‌های وقفی نادر، موقوفات و تشکیلات اداری آستان قدس‌رضوی، اسناد.

مقدمه

هرچند عنایت ویژه به وقف، حاصل نگاه دینی جامعه است، با این حال، شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جوامع در شکل‌گیری و تداوم آن موثر بوده است. به نحوی که همگام با بروز تحولاتی در این عرصه‌ها، نهاد وقف دچار دگرگونی گشته است. البته در این

۱. کارشناس مسئول نمایه سازی مدیریت اسناد و مطبوعات سازمان.
پست الکترونیک: Fatemi 7638@gmail.com

بین نقش تحولات سیاسی به دلیل تأثیرات آنی تر آن نسبت به دیگر عوامل پرنگ‌تر می‌باشد. شواهد تاریخی، گواه آن است که اگرچه متولی به صورت رسمی، عهددار اداره‌ی موقوفات بوده اما شیوه‌ی اداره‌ی موقوفه و آزادی عملِ متولیان تا حد زیادی متأثر از ساختار سیاسی جامعه بوده است. درواقع، میزان دخالت حکومت‌ها در امور موقوفاتی بر نحوه‌ی عمل مباشران این نهاد، تأثیر مستقیم داشته است. از سوی دیگر، مجموعه‌ی عملکردهای حکومت‌ها که در راستای اهداف سیاسی، نظامی، اجتماعی و... انجام گرفته نیز در گسترش، یا ایستایی و در پاره‌ای موارد، نابودی موقوفات تأثیرگذار بوده است. این جریان زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند که تولیت یک موقوفه در اختیار صاحب منصبان و به ویژه حاکمان سیاسی گذاشته شده باشد. امری که به خوبی در مورد موقوفات آستان قدس رضوی در دوره‌های مختلف قابل روئیت است.

در دوره‌ی صفوی، پس از ایجاد حکومتی مقتدر، توجه به امور مذهبی مورد اهتمام شاهان صفوی قرار گرفت و به دنبال آن، نهاد اوقاف به عنوان یکی از جلوه‌های مذهبی، با رشد و گسترش بیشتری رو به رو شد. واقفان نیز بیشتر با انگیزه‌ی مذهبی به وقف اموال خود می‌پرداختند. در این بین، مراکز مهم شیعه در ایران به ویژه بارگاه رضوی، بیشترین سهم را در جذب موقوفات به خود اختصاص دادند؛ به گونه‌ای که در پایان حکومت صفویه، آستان قدس رضوی به بزرگ‌ترین مجموعه‌ی موقوفاتی ایران تبدیل گردید. لزوم اداره‌ی صحیح این مجموعه موقوفات منجر به شکل‌گیری تشکیلات اداره‌ی آستان قدس رضوی گردید که در رأس آن متولی، که از جانب شاه صفوی انتخاب می‌شد، قرار داشت.

با روی کار آمدن حکومت افشاریه و پس از تاجگذاری نادر، شرایط در مورد موقوفات این مجموعه با تغییراتی رو به رو گردید. در این دوره شاهد اجرای برنامه‌هایی هستیم که منجر به ایجاد تغییراتی در برخی نهادهای مذهبی از جمله اوقاف شد. با این که دوران حکومت رسمی نادر (۱۱۴۸-۱۱۶۰ق.) کوتاه بود، ولی مجموعه سیاست‌های صورت گرفته در خصوص موقوفات، از این دیدگاه، موجب اهمیت این دوره گردیده است؛ به طوری که بدون پرداختن به آن، بررسی جریان وقف در ایران و به ویژه مجموعه‌ی تشکیلات آستان قدس رضوی ناقص خواهد بود.

با این حال، عمدۀ منابع موجود، در این زمینه یا سکوت اختیار کرده‌اند و یا اطلاعات ناقصی ارائه می‌کنند. تاریخ نگاری‌های رسمی دوره‌ی نادر همانند عالم‌آرای

نادری، جهانگشای نادری و... هیچ اشاره‌ای به اقدامات نادر در زمینه موقوفات نمی‌کند. تنها خبری که در این زمینه دیده می‌شود گزارش‌های اروپاییان همانند «اوتر» و «فریزر» است که آن هم تنها به فرمان مصادره موقوفات توسط نادر اشاره می‌کنند.^۱ بنابراین، این منابع به تنها بتواند تکیه‌گاه مناسبی برای بررسی این جریان در دوره‌ی نادر باشد. به همین دلیل تعداد پژوهش‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند بسیار اندک می‌باشد. به جز مقاله «میراث صفویان؛ تکاپوهای نادر شاه، ساخت نهاد وقف در عهد افشاریه»، در خصوص مسائل مربوط به اوقاف در عهد نادر مطالبی که در پژوهش‌های مربوط به دوره افشاریه دیده می‌شود پراکنده و تکراری می‌باشد.

در این میان آنچه به آن توجه نشده است اسناد مربوط به تشکیلات اداری آستان قدس در عصر افشاریه می‌باشد. بخش عمده‌ای از این اسناد مربوط به صورت درآمدها و مخارج آستان قدس و قبض‌های مربوط به آن می‌باشد. البته در لابه‌لای آن می‌توان به احکام، فرامین، ارقام و طومارهایی نیز دست یافت که حاوی مطالب بسیار ارزشمندی است. اگرچه اکثر این اسناد اوراق مالی هستند اما دارای مضامین اجتماعی، مذهبی، سیاسی و... می‌باشند که در آن، نحوه‌ی اداره‌ی بیوتات متبرکه، امور مربوط به موقوفات و چگونگی تخصیص درآمدهای حاصل از آن و به سخن دیگر کلیه امور این مجموعه به چشم می‌خورد. از دیگر نکاتی که در این اسناد دیده می‌شود میزان تأثیرگذاری سیاست‌های حکومت نادر بر موقوفات آستانه می‌باشد. در این بررسی تلاش شده تا با توجه به اسناد مذکور به ارائه‌ی تصویری اجمالی از سیاست‌های وقفی عصر نادر بر مصارف موقوفات آستان قدس و در نتیجه تشکیلات اداری این مجموعه پرداخته شود تا شاید بتوان با توجه به فقدان منابع و نیز کمبود اطلاعات، به آن به عنوان نمونه‌ای از اقدامات عصر نادر و نیز تأثیرات آن بر نهاد وقف در دوره مذکور نگریست.

تشکیلات موقوفاتی آستان قدس رضوی در دوره‌ی نادر شاه

دوره‌ی حکومت نادر، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره‌های تاریخی ایران به شمار می‌آید. ایجاد تمرکز سیاسی پس از یک دوره آشوب و آشفتگی در ایران و در پیش‌گرفتن سیاست مذهبی متفاوت با صفویان به خصوص در مقابل عثمانی و سایر همسایگان از جمله ویژگی‌های این زمان می‌باشد.

گذاشت‌ن برخی شرایط در هنگام تاج‌گذاری^۲ و نیز کشتن میرزا ابوالحسن ملا باشی



در اجتماع دشت مغان که به سلطنت نادر ختم شد؛^۳ نقطه‌ی آغازی بر تغییر رویه‌ی مذهبی نادر به حساب می‌آید. گفت و گویی که میان نادر و برخی علماء رخ می‌دهد و دستور وی مبنی بر مصادره‌ی املاک موقوفات و ضبط تمامی منافع حاصل از آن، این جریان را به اوج خود می‌رساند. گزارشی که در کتاب فریزر از این موضوع دیده می‌شود، قابل توجه است. مطابق این گزارش نادر نظر علماء را در مورد چگونگی مصرف موقوفات جویا می‌شود آنان نیز جواب می‌دهند که:

«به مصارف موقوفه از قبیل وظیفه‌ی علماء و طلاب و نگهداری مدارس و مساجد متعدد می‌رسد و در مساجد هر روز و هر ساعت به فیروزی و اقبال پادشاه و آبادی مملکت دعا می‌کنند. نادر شاه در جواب گفت: به تجربه معلوم شده است که دعاها شما مستجاب نمی‌شود، زیرا که مدت پنجاه سال ملت در تنزل بود و بالاخره به واسطه‌ی غلبه‌ی دشمن از خارج و انقلاب داخله، مملکت خراب شده تا این که به تقدیر الله فتح و فیروزی قشون من به استخلاص ایران رسیده و حال هم تمام قشون برای حفظ و عظمت ایران جان خود را فدا می‌کنند و این طلاب بیچاره هم یعنی سربازها زیاد بی‌چیزند و باید به وسیله‌ای رفع احتیاج آن‌ها بشود، اهدا میل ملوکانه براین است که تمام املاک موقوفه و منافع آن‌ها ضبط شود و به مصارف قشون برسد».^۴

بررسی علل و دلایل این تصمیم، خارج از حوصله‌ی این بحث است، ولی به هر ترتیب، پوشیده نیست که رویکرد نظامی نادر، هزینه‌های بسیاری را طلب می‌کرد که بیقین درآمدهای حاصل از موقوفات، می‌توانست منبع بسیار مناسبی برای تأمین آن باشد. از سوی دیگر، آشفتگی‌هایی که در پی سقوط اصفهان در ایران ایجاد شده بود، اداره‌ی برخی موقوفات را با دشواری‌هایی رویه‌رو کرده بود و این نیاز احساس می‌شد که باید نظارت جدی بر آن اعمال شود. مجموعه‌ی این عوامل سبب اجرای برنامه‌هایی از سوی حکومت افشاریه گردید که موجب بروز تغییراتی در موقوفات کل کشور و مصارف آن نسبت به دوره قبل شد. هر چند که گویا این امر در تمامی نقاط ایران یکسان انجام نشده است.^۵

اما سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا موقوفات آستان قدس رضوی به عنوان بزرگترین مجموعه موقوفاتی کشور، از این جریان در امان ماند؟

پر واضح است که منافع بالای حاصل از موقوفات وقف شده به حرم رضوی که مقدار قابل توجهی را در بر می‌گرفت، می‌توانست بخشی از هزینه‌های لشکرکشی‌های

حکومت افشاریه را تأمین کند. هرچند سند صریحی مبنی بر اجرای فرمان نادر در زمینه‌ی موقوفات در اسناد تشکیلات اداری آستان قدس به دست نیامد ولی پاره‌ای از شواهد گویای ایجاد تغییراتی در مصارف موقوفات این آستانه می‌باشد. در حالی که تا پیش از این، بخش قابل توجهی از اسناد تشکیلات اداری آستان قدس اوراق مربوط به نحوه‌ی اداره‌ی موقوفات اعم از مزارع، اراضی، باغها و مستغلات را در بر می‌گرفت،^۶ اما در فاصله‌ی سال‌های ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ق. محتوای اسناد در این خصوص تغییر قابل توجهی می‌کند. برای نمونه با انتخاب یک دوره‌ی دوازده ساله در پایان حکومت صفویه و مقایسه آن با دوره‌ی دوازده ساله حکومت نادر مشخص می‌شود تعداد اسنادی که نام موقوفات آستانه در آن ذکر شده، در دوره‌ی صفویه ۱۹۰ مورد می‌باشد، در حالی که در دوره‌ی افشاریه به ۱۵ مورد کاهش پیدا می‌کند. لازم به ذکر است تنها در سال ۱۱۴۷ق. یعنی یک سال پیش از تاج‌گذاری نادر بیش از ۵۷ سند در خصوص موقوفات این مجموعه اعم از مشهد و سایر ولایات در دسترس می‌باشد.

نکته دیگر آن که تعداد مزارعی که نامشان در اسناد دوره‌ی زمانی مورد نظر دیده می‌شوند و جزء موقوفات آستانه به شمار می‌آیند، نسبت به دوره‌ی صفویه بسیار کمتر بوده و به طور عمدۀ به مشهد و اطراف آن محدود می‌گردد.

از سوی دیگر، اسنادی که از دوره‌ی صفویه در مورد نحوه‌ی اداره‌ی موقوفات و میزان درآمدها و چگونگی هزینه کردن آن‌ها به جای مانده تمامی متعلق به تشکیلات اداری آستان قدس است و دارای سربرگ «سرکار فیض آثار» است^۷ ولی در دوره‌ی افشاریه شاهد تداخل اسناد حکومتی با اسناد آستانه هستیم. نکته‌ی قابل توجه، این که نام مزارع و باغها (چه آن‌هایی که تا پیش از این متعلق به آستانه بود و چه آن‌هایی که نامشان برای اولین بار دیده می‌شود) در اسناد غیر آستان قدسی دیده می‌شود.

مسئله دیگری که از مقایسه‌ی این دو دسته از اسناد به دست می‌آید، چگونگی اداره موقوفات آستانه است، نکته‌ای که در اسناد صفویه دیده می‌شود ولی در اسناد دوره‌ی نادر وجود ندارد. در حالی که در اسناد صفویه اطلاعات قابل توجهی در مورد میزان درآمدهای موقوفات اعم از جنسی و نقدی با ذکر نوع محصول، نوع قرارداد اجاره نامه‌ها، شرایط اجاره باغها و مزارع و مسائل مرتبط با مستأجران نظیر تخفیف در اجاره بها و... ذکر شده است;^۸ ولی در اسناد دوره‌ی حکومت نادر خبری از این جریان نیست. تنها در چند مورد گزارشی از میزان درآمد تعدادی از مزارع که تا پیش از این اداره آن با



تشکیلات اداری آستانه بود، (آن هم در اسناد غیرآستان قدس) به چشم می خورد که اکثر آنان متعلق به «محال مشهد»^۹ می باشد.

مطلوب دیگر آن که در اسناد دوره صفویه به گزارش هایی در مورد نحوه دادن بذر به زارعین مزارعی که جزء موقوفات آستانه بودند برمی خوریم.^{۱۰} نکته ای که هیچ ردپایی از آن در اسناد دوره نادر دیده نشد.^{۱۱}

علاوه بر اسناد مذکور، «طومار علی شاهی» اطلاعات با ارزشی در خصوص وضعیت موقوفات در زمان نادر و پس از آن ارائه می دهد. این طومار که به دستور علی شاه افشار، برادرزاده نادر در سال ۱۱۶۰ق. نوشته شده است؛ در واقع، سیاهه ای از کل موقوفات آستان قدس رضوی و مسجد گوهرشاد از ابتدای شکل گیری تشکیلات آستان قدس رضوی تا زمان تنظیم طومار است. علی شاه که بی درنگ پس از مرگ نادر در مشهد به تخت می نشیند، با توجه به جریان ضبط موقوفات و منافع حاصل از آن در زمان نادر، به لغو دستور عمومی خویش، فرمان می دهد و برای انتظام بخشیدن بیشتر به امور، دستور تنظیم این طومار را صادر می کند که در آن، موقوفات هر شهر و ولایت به تفکیک مزارع، باغات، خانات، دکاکین، طواحين و... با احتساب درآمد نقد و جنس هر کدام ثبت گردیده است. مطابق این طومار اداره امور مربوط به موقوفات و «حاصل و انتفاعی» آنها در دوره نادر «به ضبط دیوان» درآمده بود.^{۱۲} در جای دیگر در این طومار آمده است که علی شاه پس از به قدرت رسیدن تمامی رقبات و مستغلات و موقوفات آستانه را «به تصرف مباشرین امور آن سرکار داده» و «مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی» را از هرگونه مداخله در امور موقوفات منع می کند.^{۱۳}

از مطالبی که در مقایسه اسناد و طومار علی شاهی به دست می آید، می توان چنین استنباط کرد که اداره امور موقوفات آستانه در دوره نادر به حکومت مرکزی سپرده شده بود. البته نباید از یاد برد که خراسان پایگاه سنتی اقتدار حکومت افشاریه محسوب می گردید و از سویی دیگر هرچند کلاس پایتخت رسمی حکومت نادر بود ولی به دلیل لشکرکشی های مداوم و عدم حضور وی در این شهر، مشهد از درجه اهمیت بیشتری نسبت به آن برخوردار بود. وجود دستگاه منظم و مدون اداری حرم رضوی به همراه سایر جاذبه های مادی آن مزید علت گشته بود. به نظر می رسد حکومت افشاریه در نبود یک دیوان مرکزی منظم، از تشکیلات اداری آستانه به عنوان دیوان اداری خود، حداقل به شکل منطقه ای، استفاده می کرده است. تداخل اسناد حکومتی با اسناد آستانه مؤید

این مطلب است. بنابراین باید این نکته را در نظر داشت که نفس نزدیکی حکومت به تشکیلات اداری آستانه نتیجه‌اش دخالت آشکار و جدی تر نسبت به دوره قبل بر امور این مجموعه است. به همین جهت دور از ذهن نمی‌نماید که حکومت افشاریه، امور تشکیلاتی آستانه و نیز موقوفات آن را تحت اداره خود درآورده باشد. مسئله دیگری که در این جا باید به آن توجه داشت سنتی است که از زمان صفویه در مورد اختیارات شاهان صفویه در تشکیلات اداری آستانه و موقوفات آن به وجود آمده بود و در دوره‌های بعدی استمرار یافته بود. در حقیقت شاهان صفوی با اتکا بر برخی وقف‌نامه‌ها خود را سرپرست اصلی موقوفات آستانه می‌دانستند. امری که از سال ۹۵۷ق. و در زمان شاه تهماسب اول جنبه شرعی به خود گرفت.^{۱۴} متولیانی هم که در این دوره در آستانه حضور دارند به عنوان نایب شاه در مشهد به سمت متولی حرم رضوی انتخاب می‌شوند و دامنه اختیارات آن‌ها به اجازه پادشاهان صفوی از یک طرف و نظر واقfan از طرف دیگر محدود می‌شود. حضور برخی صاحب‌منصبان نظیر «مستوفی موقوفات ممالک محروسه» از طرف حکومت در تشکیلات اداری آستانه که به منظور ناظرات بر امور موقوفات انجام می‌شوند نمونه‌ای دیگر از مداخله حکومت در آستانه است. مطابق اسناد موجود در این دوره شاهد هستیم که هزینه برخی از امور که مربوط به حکومت صفوی بوده نظیر حقوق «تفنگچیان»^{۱۵} و پرداخت وظیفه به سادات و «موالی و مشایخ»^{۱۶} نیز از جانب تشکیلات اداری آستانه انجام می‌شده است. این مطلب نمونه‌ای از میزان تأثیرگذاری شرایط سیاسی و همچنین دخالت شاهان صفوی بر مصارف موقوفات است. بنابراین جریان دخل و تصرف در امور موقوفات تنها محدود به دوره نادر نیست بلکه در دوره حکومت صفویه، نمونه‌های مشابهی دیده می‌شود.

نکته‌ای که با توجه به اسناد موجود در مورد عصر حکومت نادر جلب توجه می‌کند، سپردن اداره امور مربوط به موقوفات به حکومت مرکزی است. در این دوره شاهد هستیم که بودجه مورد نیاز آستانه برای هزینه‌های مختلف این مجموعه از طرف حکومت افشاریه پرداخت می‌شد^{۱۷} که این جریان علاوه بر این که گویای ناظرات جدی حکومت بر آستانه است به این نکته اشاره دارد که دیگر این مجموعه از خود مانند سابق درآمدی ندارد. علاوه بر این همان‌گونه که پیش از این ذکر شد در اسناد این دوره دیگر خبری از اجاره نامه، امور مربوط به مستأجران، تخفیف در اجاره بها، دادن بذر به زارعین و... نیست. در دوره قبل چون آستانه خود درگیر اداره امور موقوفات بود،

مسایل مربوط به آن صریحاً در اسناد ذکر گردیده است. برای نمونه مسائلی چون خشکسالی، آفات، سیل، تعمیرات، خرابی قنات و... که تأثیر مستقیمی بر مقدار محصولات و بالطبع میزان درآمدها داشته در اسناد نوشته می شد،^{۱۸} در حالی که در این دوره گزارشی از این مسائل وجود ندارد.

از مجموع این مطالب می توان چنین نتیجه گرفت که علاوه بر ضبط درآمد موقوفات، اداره امور آنها از آستانه گرفته شده است. اما ذکر این نکته لازم است که در اسناد موجود مطلبی که نشان دهد که این موقوفات تبدیل به دارایی شخصی شده باشد و یا از حالت وقف خارج شده باشد وجود ندارد. در عرضه‌ای هم که «میرطالب رضوی» به «نصرال... میرزا»، پسر شاهrix افشاری، در سال ۱۱۸۴ق. می‌نویسد، اشاره شده که موقوفاتی که وقف مقبره‌ی نادری بوده، پس از آن که به ضبط دیوان درآمده، از خزانه‌ی عامره «وظیفه‌ی مباشرین وقف» را می‌دادند.^{۱۹} اگرچه این موقوفه جزء موقوفات آستانه نیست ولی از آنجا که نادر خود واقع این موقوفه بوده و همچنین مربوط به دوره زمانی مورد نظر است می‌توان چنین نتیجه گرفت که موقوفات دست کم به صورت ظاهری از شکل وقف خارج نشدن، زیرا هنوز عده‌ای به عنوان مباشر وقف در کنار این موقوفات حضور داشتند.

تأثیر سیاست‌های وقفی عصر نادر بر تشکیلات اداری آستان قدس رضوی

با توجه به این که قوام و پایه‌ی اصلی شکل‌گیری تشکیلات اداری آستان قدس مبتنی بر موقوفات وقف شده بر حرم رضوی بوده است، ضبط درآمدهای حاصل از آن توسط حکومت افشاریه، تأثیراتی را بر این مجموعه به همراه داشت.

نخستین تأثیری که ضبط این موقوفات بر تشکیلات اداری آستان قدس از خود به جای گذاشت، دخالت و نفوذ هرچه بیشتر حکومت افشاریه بر امور تشکیلاتی آن یا به دیگر سخن، تحت نظارت بیشتر درآوردن آستان قدس به وسیله‌ی حکومت مرکزی بود.

همان‌گونه که پیش از این بیان شد در دوره صفویه شاهد دخالت حکومت بر امور آستانه هستیم. اما این دخالت و نظارت با محدودیت‌هایی مواجه بود. در این دوره میزان دخالت حکومت بر آستانه وابسته به قدرت و نفوذ متولی بود به نحوی که در پاره‌ای موارد شاهد دخالت گسترده برخی عوامل حکومت بر آستانه هستیم به گونه‌ای

که حتی منجر به اعتراض متولی نیز می‌گردد. در برخی موارد هم همگام با افزایش قدرت متولی هیچ یک از صاحبمنصبان اجازه دخالت در امور مربوط به متولی را نداشتند.^{۲۰} مسئله بُعد مسافت و دوری مرکز حکومت نیز بر این جریان تاثیرگذار بود، اما در دوره افشاریه با انتقال مرکزیت سیاسی به این منطقه، زمینه نفوذ و دخالت بیشتر حکومت بر مجموعه تشکیلات آستان قدس بیشتر فراهم آمد. اسناد باقی مانده نشان می‌دهد که قدرت متولی از یک قدرت فائقه در دوران صفوی به قدرتی هم ردیف سایر عوامل حکومتی در دوره افشاریه مبدل می‌شود.^{۲۱} نوع خطاب و جایگاهی که در اسناد در مورد متولی دیده می‌شود نسبت به دوره صفویه تغییر قابل توجهی کرده است.^{۲۲} در حالی که تا پیش از این القاب مفصل‌تر و محترمانه‌تری در مورد متولیان به کار برده می‌شد، ولی در اسناد افشاریه تنها به ذکر القاب «عالی‌جهاء» و «خلاصه‌السادات» کفايت می‌شود.^{۲۳} از سوی دیگر به استناد احکام و ارقامی که سلاطین صفوی خطاب به متولیان آستانه صادر کرده‌اند مشخص می‌شود دامنه اختیارات آنان بسیار وسیع بوده^{۲۴} ولی مطابق اسناد دوره افشاریه به نظر می‌رسد علاوه بر این که قدرت و استقلال عمل متولی در این دوره بسیار کم بوده، اعتماد نادر هم نسبت به این جایگاه اندک بوده است؛ به گونه‌ای که حتی متولی در برخی اوقات مجبور بوده برای ارتباط و مکاتبه با شاه افشاری، نامه‌ها و گزارش‌هایش را در مورد آستانه از طریق نمایندگان مخصوص شاه در آستانه به عرض نادر برساند؛^{۲۵} به سخن دیگر این گزارشات در صورتی که توسط افراد مورد اعتماد نادر تأیید می‌شد از جانب شاه افشاری پاسخی دریافت می‌کرد. در اسناد مربوط به سال ۱۱۵۱ تا ۱۱۵۰ این جریان به اوج خود می‌رسد. در این اسناد دیده می‌شود که متولی وقت از جانب نادر به خاطر مسئله‌ای که گویا مربوط به امور مالی هست به شدت مورد عتاب قرار می‌گیرد و دامنه اختیاراتش به شدت کاهش پیدا می‌کند. در این زمان متولی حتی برای خرج مبلغی که به آستانه اهدا شده مجبور به کسب اجازه از شاه می‌باشد.^{۲۶} (تصویر شماره ۱).

اینها تنها بخشی از محدودیت‌هایی بود که در این زمان برای متولی و بالطبع آستانه پیش آمده بود.

حذف درآمدهای این مجموعه که تمامی به وسیله موقوفات تأمین می‌گشت، مزید بر علت گردیده بود. از این زمان به بعد تا پایان حکومت نادر در اسناد دیده می‌شود که تشکیلات آستانه برای تأمین کلیه هزینه‌های خود اعم از پرداخت حقوق و دستمزد



کارکنان و سایر هزینه‌های متفرقه نظیر تعمیر، ساخت وساز، خرید لوازم و... نیازمند پرداخت مبالغ تعیین شده از سوی حکومت مرکزی می‌باشد. بنا به اشاره ضریح اسناد تنها هزینه‌هایی که به تأیید «عمال دیوان اعلیٰ» می‌رسید، پرداخت می‌شد.^{۲۷}

متولی و ناظر موظف بودند تمام نیازهای مالی مجموعه را اعم از جنسی و نقدی که مربوط به «کارخانجات و غیره مستمریات و مواحب سرکشیکان و خدام و باقی منسوبان سرکار آستان عرش نشان»^{۲۸} بود را به صورت مکتوب به «وزیر ارض اقدس» (مشهد) اطلاع دهند تا پس از آن که موافق طومار تنظیم شده، براساس «رقم مبارک اقدس»؛ به وسیله‌ی «مستوفیان دیوان اعلیٰ» و یا «صاحب جمع خزانه ارض اقدس» مورد تأیید قرار گرفت. در عوض رسید به صورت شش ماهه به متولی تحويل داده شود.^{۲۹} (تصویر سند شماره ۲ و ۳)

این مسئله در مورد مسجد جامع گوهرشاد به عنوان بخشی از تشکیلات اداری آستان قدس مصدق دارد. به نحوی که حقوق و دستمزد کارکنان این مسجد که خود دارای موقوفاتی بود مطابق طومار قرارداد از دیوان اعلیٰ دریافت و به آن‌ها پرداخت می‌شد.^{۳۰} (تصویر سند شماره ۴)

از اسناد مربوط به این دوره چنین برمی‌آید که در فاصله زمانی موردنظر، تنها درآمد داخلی آستان قدس، نذورات اهدایی به آن، اعم از نذورات حاصل ضریح و نذورات متفرقه بود که مصروف هزینه‌های این مجموعه می‌گردیده^{۳۱} که البته آن می‌بایست تحت نظارت عوامل حکومت انجام می‌گرفت.

مجموعه این اسناد نشان از نظارت و کنترل شدید حکومت افساریه بر تشکیلات اداری آستان قدس دارد، به گونه‌ای که حتی نادر در رقمی به سال ۱۱۵۱ق. به منظور نظارت هر چه بیش تر بر این مجموعه دستور می‌دهد که متولی باید از این پس «سرنشته جمع و خرج آن سرکار را به فرزند ارجمند کامکار عالی مقدار رضاقلی میرزا، نایب‌السلطنه مملکت ایران خاطرنشان [سازد]».^{۳۲} در همین سال مطابق رقمی دیگر، نادر پس از تعیین فردی به عنوان صاحب جمع شماعی خانه سرکار فیض‌آثار، وی را به عنوان «معتمد سرکار دیوان اعلیٰ» در تشکیلات اداری آستان قدس منصوب می‌کند. هدف از این کار، نظارت بر «سرنشتجات» و اطلاع بر «کمیت بازیافت تحويل و خرید اجناس و اخراجاتی [است] که در حويچ خانه سرکار و تعمیر آستانه مقدسه و مسجد جامع و فرش حرم محترم واقع می‌شود و آنچه بهای حاصل ضریح مقدس، عالی جاه

متولی برآورد جمع می‌نماید» بیان شده است. در ادامه وی موظف می‌شود که «چنانچه ملاحظه نماید که وجوده ابواب جمیع ایشان [متولی] تغییر و تفاوتی دارد، چگونگی را عرضه داشت درگاه معلّی نماید». ^{۳۳} در واقع مطابق این سند متولی و سایر صاحبمنصبان آستانه نه تنها برای هزینه‌های جاری خود نیازمند دریافت مبالغی از پیش تعیین شده هستند، بلکه در هنگام استفاده از آن نیز با نظارت جدی گماشتگان شاه مواجه بودند.

لزوم انجام کلیه امور آستانه زیر نظارت مستقیم حکومت، باعث بر هم خوردن نظم نسبی موجود در تشکیلات اداری این مجموعه گردید. در طومار علی شاهی آمده است که این جریان باعث شده که تشکیلات اداری آستانه همچون «گلشن خزان دیده از هم ریخته و شیرازه کتاب بنای آن گسیخته و... و خدمه و سدنے آن کعبه حقیقی از اوج وسعت به انحطاط معیشت افتاده و زائران آن رشك اعلی بی تمکین گشته». ^{۳۴} قدر مسلم حذف برخی درآمدها در آستانه سبب آشفتگی‌هایی در این تشکیلات گردیده بود ولی آنچه نباید از یاد برد این است که طومار علی شاهی پس از قتل نادر و روی کارآمدن علی شاه به قدرت نگاشته شده به همین جهت بزرگ نمایی در مورد خدمات شاه جدید و نقصان‌های دوره قبل، دور از ذهن نیست.

حذف برخی مشاغل و در نتیجه، کوچک شدن تشکیلات اداری آستان قدس، یکی دیگر از نتایج سیاست وقفعی نادر شاه بر این مجموعه بود. در راستای کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های جاری آستانه، خدمت خادمان، دربانان، فراشان، مؤذنان و کفسبانان حرم رضوی که به صورت پنج‌کشیک بوده، به سه‌کشیک کاهش یافت. در حالی که اسناد تا سال ۱۱۴۷ق، گویای وجود پنج‌کشیک است، ولی پس از به قدر رسیدن نادر، این تعداد تنها به سه‌کشیک کاهش پیدا می‌کند ^{۳۵} که نتیجه آن کم شدن تعداد کارکنان و حقوقی بود که از آستانه دریافت می‌کردند. به علاوه، از آن‌جا که تا پیش از این، برای هر یک از صاحبان مشاغل، بخشی از موقوفات به عنوان منبع تأمین مواجب آن‌ها به صورت مشخص ذکر می‌گردد، با حذف این منابع در دوره‌ی موردنظر، برخی از شغل‌ها خود به خود و به طور عمدی به خاطر اولویت‌بندی صورت گرفته، حذف مطابق اشاره صریح سندی در ایام حکومت نادر به دلیل ضبط موقوفات این شغل به خاطر نبود منبعی برای پرداخت حقوق، حذف شده بود. ^{۳۶}



از مجموعه‌ی این موارد، چنین به نظر می‌رسد که حکومت مرکزی، خود را چندان ملزوم به تأمین تمام هزینه‌های مورد نیاز این مجموعه نمی‌دید و هدفش را کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های آن قرار داده بود تا به این ترتیب، میزان درآمدهای خود را افزایش دهد.

ارزیابی نهایی

دوران حکومت نادر اگرچه بسیار کوتاه‌تر از آن بود که بتواند منشأ تحولات ماندگاری در عرصه‌های مختلف جامعه ایران باشد، ولی مجموعه سیاست‌های وی در امور مذهبی سبب بروز تغییراتی در این حوزه گردید. تفاوت رویه‌ی مذهبی نادر (که به نظر می‌رسد با هدف رفع اختلافات سیاسی و دینی با کشورهای همسایه به منظور دست‌یابی به اهداف نظامی وی پی‌ریزی شده بود) با رویکرد مذهبی صفویان تحولاتی را در وضعیت اوقاف به دنبال داشت.

با وجود آن که اطلاعاتی که در خصوص فرمان مصادره موقوفات و ضبط منافع حاصل از آن به وسیله‌ی نادر توسط برخی منابع همزمان ارائه می‌شود خالی از مبالغه و یک‌سونگری نیست و در برخی از منابع هم سکوت اختیار کرده‌اند، ولی اسناد باقی مانده از تشکیلات اداری آستان قدس در دوره افشاریه نشان می‌دهد که موقوفات آستان قدس در این زمان با تحولاتی روبرو بود. نتیجه این امر بروز تغییرات گسترده در این مجموعه بود. وابستگی مالی آستانه به حکومت مرکزی، کوچک شدن تشکیلات اداری، حذف برخی مشاغل و در نهایت نظارت جدی و مستقیم حکومت بر آستانه از نتایج این جریان به شمار می‌آید. در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که نادر همچون شاهان صفوی، متولی آستانه محسوب می‌شد؛ در واقع همان‌گونه که شاهان صفوی در امور آستانه دخالت می‌کردند، نادر نیز از این اختیار برخوردار بوده است. اما اتفاقی که در زمان نادر رخ می‌دهد به دست گرفتن اداره امور موقوفات و ضبط منافع حاصل از آن می‌باشد. امری که تا پیش از این صورت نگرفته بود.

اگرچه با توجه به تعداد زیاد موقوفات و پراکندگی اسناد و همچنین تداخل امور اداری حکومت افشاریه با تشکیلات اداری آستان قدس، برآورده دقیق و جزئی پیرامون تأثیر فرمان نادر بر هر یک از موقوفات سخت و مشکل است اما مطابق طومار علی‌شاهی مشخص می‌شود که در این زمان میزان درآمدهای حاصل از موقوفات نسبت به دوره قبل از ضبط، بسیار بیشتر شده است. برای مثال درآمد حاصل از مستغلات در

زمان تنظیم طومار ۳۶۳ تومان و ۱۶۴۰ دینار بوده، در حالی که «موافق ایام ضبط» ۴۰۳ تومان و ۸۶۰ دینار بوده است.

به هر روی پس از مرگ نادر و به خصوص با روی کار آمدن علی شاه روال کار موقوفات آستان قدس به وضع دوران صفویه برگشت. علی شاه که خود را پادشاه می خواند برای جلب رضایت علماء، بزرگان و مردم دست به انجام پاره ای اصلاحات زد که مهمترین آن سر و سامان دادن به اوضاع مالی آستانه و بازگرداندن تمامی موقوفات به حالت وقف و به دنبال آن کشیدن خط بطلان بر اکثر تغییرات رخ داده در تشکیلات اداری آستان قدس بود.

سنده شماره ۱

هو

رقم

به تاریخ ۱۵ شهر رمضان المبارک سنّه ۱۱۵۱، آن که اعوذ بالله تعالیٰ فرمان همایون شد، آن که عالی جاه خلاصه السادات العظام میرزا محمد رضا متولی و سلاله السادات العظام میرزا محمد تقی ناظر و میرزا ابوطالب کلانتر و سرکشیکان و خدام و بابایان و باقی کدخدايان ارض اقدس به اشفاع بي کران خديوانه سرافراز گشته بدانند که عريضه که در اين ولا در خصوص قایل شدن تقصیرات خود و استدعای عفو آن که بعد از اين از روی راستي متوجه حد های خود خواهند بود و سایر موارد قلمي و انفاد نموده بودند به نظر اقدس رسید و اين همه تاكيد از برای اين است که همگي در آن آستان ملايک پاسبان شيوه راستي و درستي را شعار خود ساخته و از تميز و تشخيص دست برنداشته، طريقه ناراستي را فراموش نمایند و خدام آن دربار فيض مدار می باید بزرگ و کوچک راست كيش و حق شناس باشند که سایر مردم از ايشان راستي را بيموزند. نواب همایون ما و كل مردم ايران به نثار کردن جان به سرکار آقای خود مضايقه ندارند مال دنيا چه قدر داشته باشد و آنچه در هر باب اخراجاتي که در آن سرکار فيض آثار ضرور باشد، خرج نموده روز به روز از روی دقت و اهتمام که خدام همگي مطلع و مستحضر باشند شرح بنويستند که به هيچ وجه تقلب و تصرف احدي نتواند کرد و سرنشته جمع و خرج آن سرکار را به فرزند ارجمند کامکار عالي مقدار، رضا قلى ميرزا، نايب السلطنه مملکت ايران، خاطر نشان از قراری که نواب همایون ما



دستورالعمل مقرر فرموده اند، ضابطه را مضبوط^۱ و امداد و اعانت لازمه به عمل آورده تقصیرات سابقه خود را [پشت سند:] در هر باب به عفو و اغماض مقررون دانسته من بعد از روی راستی متوجه خدمات باشند و در عهده شناسند.

رقـم

به تاریخ شهر رمضان سنه ۱۱۵۰، آنکه اعوذ بالله تعالیٰ، فرمان همایيون شد. آن که عالی جاه خلاصه السادات العظام، میرزا محمد رضا متولی، به شفقت شاهانه سرافراز گشته بداند که عریضه که در باب تعیین مصارف به جهت مبلغ پانصد و پنجاه و سه تومان که عالی جاه سعادت خان انفاد ارض اقدس نموده قلمی و با سیاهه مصارف معینه ارسال داشته بود به نظر اکثر اثر رسید. از قراری که آن عالی جاه مصارف معین نموده، خوبست وجه مذبور را به اطلاع ناظر و چند نفر از سرکشیکان صرف مصارف مذبوره و سیاهه منقحه بر چگونگی آن به مهر مأمورین درست داشته. بعد از اتمام کار انفاد دربار سپهر اقتدار نماید که از آن قرار دفتری و به خرج آن عالی جاه مجری شود. مستوفیان دیوان اعلیٰ شرح رقم اشرف و صورت سیاهه را که عالی جاه مشارالیه فرستاده به جهت^۲ استحضار در دفتر ثبت نمایند و در عهده شناسند.

-
- ۱. اصل: مظبوط
 - ۲. اصل: بجهة

۵۰ سیاست‌های وقفی عصر نادر و موقوفات آستان قدس رضوی



شاهزادگان سنه ۱۱۵۱م آغاز شدند و این سمع کننده ملکه خانم
 تولیت و نخست وزیر اعظم و وزیر اعظم عدهه بودند فراموشان
 که ملا اولیا در حقیقت حکومت را برای کسانی که عذر خواهند
 حکم دادند و ملا اولیا در حقیقت میتواند درین دوره در این ملکه
 سلطنتی تواند ملا اولیا که در این دوره پسر خواهش نبود و نه
 شرکت خواهد کرد و این ملا اولیا که در این دوره میتواند
 دوستی و دلخواهی داشته باشد طبقه باز هم از این ملا اولیا
 میتواند ملا اولیا را در این دوره بتواند داشت و ملا اولیا
 دوستی و دلخواهی داشته باشد و ملا اولیا میتواند ملا اولیا
 در این دوره را در این دوره داشته باشد و ملا اولیا
 ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را در این دوره
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را
 داشته باشد و ملا اولیا در این دوره میتواند ملا اولیا را

سند شماره یک

انتظام مهمات و معاملات سرکار فیض آثار و مسجد جامع، سننه بارس نیل
اوarge

ارباب التحاویل
و التحاصیل
التحاویل

رفعت و متعالی پناه
آقا محمد سلیم انباردار سرکار فیض آثار
مفاد رده

از قرار فرمان والا، به تاریخ شهر جمادی الثانی سننه ۱۱۵۹، آن که فرمان والا شد،
آنکه رفعت و متعالی پناه، آقا محمد سلیم انباردار، مقدار دو هزار و دویست و نود و
هشت خروار و پنجاه و یک من غله، مواجب جنسی [که نوشته؟] خدمه و اخراجات
سرکار آستانه مقدسه منوره عرش درجه و مسجد جامع کبیر ارض اقدس بر این موجب از
قرار قبض عالی جاه، خلاصه السادات العظام متولی و ناظر که در سرکار وزارت ارض
اقدس ضبط است.

۲۳۲۸ خروار

من ۵۱

موافق قرارداد فى ۳۰ خروار مقرری ملا رفیع که فوت شده

۲۳۱۸ خروار من ۵۱

موافق رقم مبارک وظیفه محمدعلی پیشمناز

۱۰ خروار ۲۲۹۸ خروار

و ۵۱ من

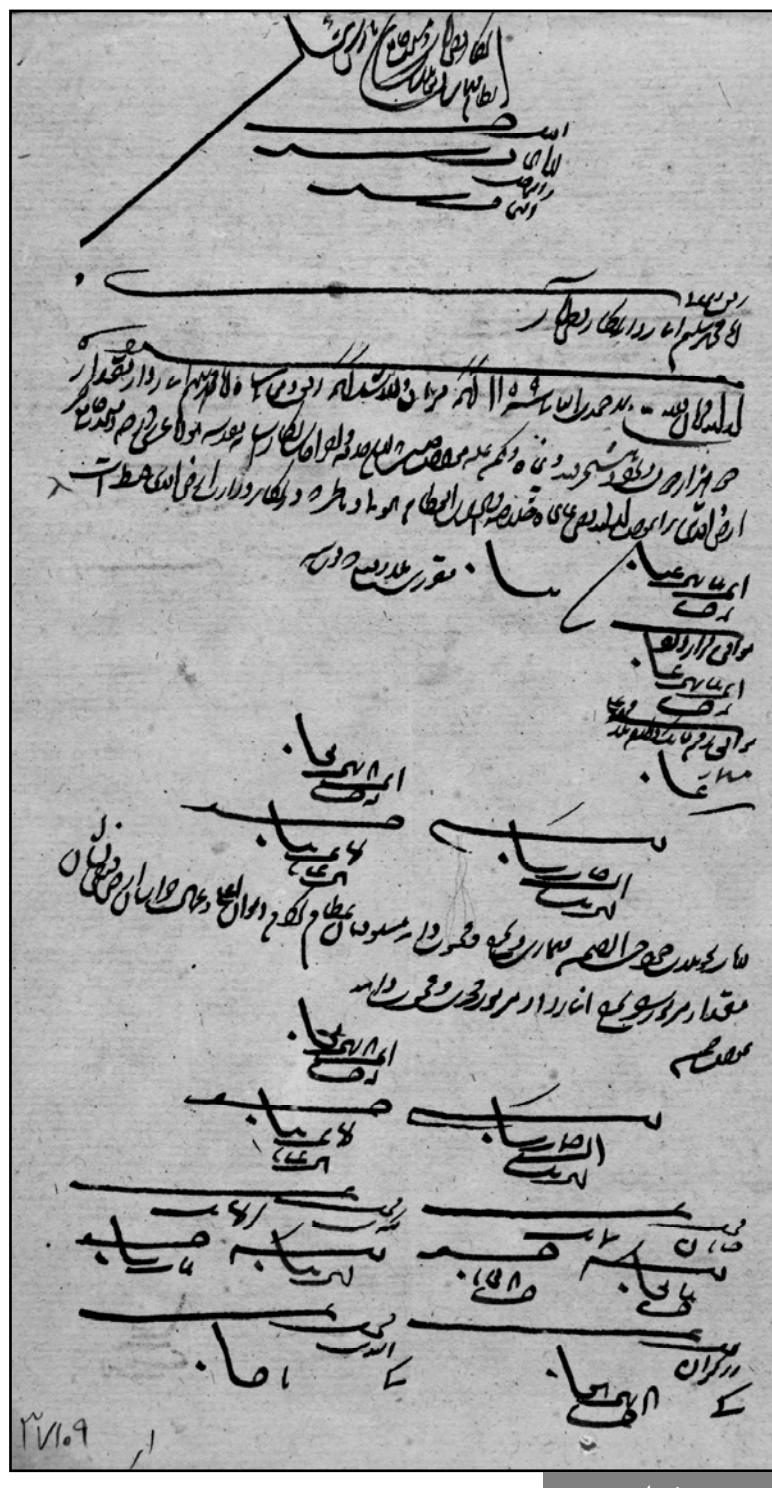
جو	گندم
٧٣٢ خروار	١٥٦٦ خروار
١٧ من	٣٤ من

از بابت تحویلداری خود حسب الضمن مهم‌سازی و به خرج و محسوب داند.
مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی و عمال خراسان ارض فیض نشان، مقدار مزبور را به
خرج انباردار مزبور مجری و محسوب دانند. به موجب ضمن:

٢٢٩٨ خروار

٥١ من

جو	گندم	جو	گندم
٧٣٢ خروار	١٥٦٦ خروار		
١٧ من	٣٤ من		
مزرعه که بیست			مزرعه خیابان
٤٠٠ خروار		٦٠٠ خروار	
جو	گندم	جو	گندم
٣٦٦ خروار	٣٤ خروار	٢٠٩ خروار و ٥٠ من	٣٩٠ خروار و ٥٠ من
مزرعه الندشت			مزرعه زرگران
گندم		٢٧٨ خروار	گندم
١٥٠ خروار		٥٠ من ٢٠ سیر	



خلاصه مهمات و معاملات سرکار فیض آثار، سنه لوییل

توجیهات

مقدار ررات

مقدار ررات

صورت

المذكور

قوضات

قبضض

به تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۱۴۹ به مهر عالی جاه متولی و ناظر سموال المکان، آن که مقدار دو هزار و نهصد [و] پنج هزار خرووار و چهل و چهار من غله به وزن تبریز مقاصداً ۲۹۵۸ خرووار و ۴۴ من

گندم جو

۷۴۸ خرووار ۲۲۰۹

و ۹۶ من

جهت مواجب و خبازخانه و آش فقرا و غیره مستمریات که به موجب طومار نسق جدید در وجه منسو拜ان آستانه مقدسه منوره معتبر که عرش درجه حسب الرقم مبارک اقدس، مقرر شده که از سرکار خاصه شریفه بازیافت و به مصارف مقرر سرکار مذکوره رسانند مبلغ مذبور بعد از وضع سی و سه تومان و کسری تفاوت قیمت اجناس کارخانجات که در این وقت به طرفه تعییر ملاحظه شده تمه [ای] که مبلغ یکهزار و دویست و شصت و شش تومان و پنج هزار دینار تبریزی بوده باشد برسد، نقدی شش ماهه اول هذه السنه و مقدار سی خروار یخ جهت سقاخانه آستانه مقدسه و مسجد جامع به معرفت عمال خجسته اعمال سرکار دیوان واصل و عايد گردید که به مصارف مقرر مذکور برساند.

به تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۱۴۹. به مهر عالی جاه متولی، آن که مبلغ یک هزار و دویست و نود [و] نه تومان و پنج هزار سیصد دینار تبریزی جهت اخراجات کارخانجات و تعمیر و فرش حرم محترم، یوآن های مسجد جامع و غیره، مستمریات و مواجب سرکشیکان و خدام و حفاظ و فراشان و باقی منسو拜ان آستانه مقدسه منوره مبرره مرتبه، عرش درجه، به موجب طومار نسق جدید که حسب الرقم اقدس، مقرر شده که از سرکار خاصه شریفه بازیافت و به مصارف مقرر سرکار مذکوره رسانند مبلغ مذبور بعد از وضع سی و سه تومان و کسری تفاوت قیمت اجناس کارخانجات که در این وقت به طرفه تعییر ملاحظه شده تمه [ای] که مبلغ یکهزار و دویست و شصت و شش تومان و پنج هزار دینار تبریزی بوده باشد برسد، نقدی شش ماهه اول هذه السنه و مقدار سی خروار یخ جهت سقاخانه آستانه مقدسه و مسجد جامع به معرفت عمال خجسته اعمال سرکار دیوان واصل و عايد گردید که به مصارف مقرر مذکور برساند.

صوص

تی بی جم ۱۳۷۹ عصر ۱۴:۰۰ مهر ۱۴۰۰ شنبه نیان
تی بی جم ۱۳۷۹ عصر ۱۴:۰۰ مهر ۱۴۰۰ شنبه نیان
مکار دویز و قریبیان تیار شد و صد و نیم سرمه کن لام معداً روح از این مهار
کار چهار و قوه و مرنی حجم جم و فنا کشیده بکان اعیانه داشتند
بسیار قدر این سخنان و صنم خفاط و درمی باشند
و شیخان این سخنه نگدازند که این سخنه در مخصوص روزیانه که میگذرد
صمع از این قسم را این سه عورس از این سخنه خود خود را در صورتی که در میان
طبایی از این قسم را این سه عورس از این سخنه خود کسر میگردند در همان راه
پاد و پیش میگذرد از این طبقه مردانه سفید و قیو و اسماه میگردند
و صنم کوئی کان و سبزی و فیض این سخنه کان میگردند این سه عورس از این سخنه که میگذرد
در بیرون طبع نیز میگذرد طبع تبرانه میگذرد این سخنه کوئی کان میگذرد و صنم کوئی کان
و خود این سخنه کان از این سه عورس از این سخنه کوئی کان میگذرد این سخنه کان
بر بعد از این سخنه ایشانه و بعد از این سخنه کوئی کان میگذرد این سخنه کان
تجویی خواهد ایشانه ایشانه و بعد از این سخنه کوئی کان میگذرد این سخنه کان
اعمال سرخ را دوان و اصل عده بقوی میگذرد ایشانه کوئی کان میگذرد ایشانه
از ایشانه کوئی کان

۳۰۰۱۰ /

سنند شماره سه

انجام مهمات و معاملات سرکار فیض آثار و مسجد جامع سنّه قوی نیل

اوارج^۴

ارباب التحاوی

والتحاصیل

تحاوی

صاحب جمعیان

شصت فرد

جماعت

عالی جاه اسلام و اسلامیان ملاذی متولی

مف رده

جنس	نقد
۲۲۳۵ خروار و ۸۳ من و ۳۰ سیر	۲۵۴۹ تومان و ۷ هزار و ۷۷۹ دینار
گندم جو یخ	
۲۲۰۳ خروار ۲ خروار و ۳ خروار	
و ۳۳ من و ۵۰ من و ۲۶ سیر	
۴ سیر	

صرف

اول از قرار طومار قرارداد دیوانی به قرار حسب التتخواه که از عمال خجسته اعمال دیوان بازیافت نموده، برات دهنند.

جنس	نقد	نقد
گندم	۲۱۲۷ تومان	۲۳۸۴/۱/۲۰۰
۲۲۱۱ خروار و ۲۰ من		جنس: ۲۳۱۹ خروار و یک من
یخ		
گندم		
۲۱۸۱ خروار و ۲۰ خروار		
خروار		

از قرار بروات به تاریخ شهر جمادی الاول سنّه ۱۱۵۲، به صیغه اخراجات شش ماهه نقدي ثانی و جنسی سالیانه کارخانه جات و مواجب و مقرري منسوبان آستانه مقدسه منوره عرش درجه و مسجد جامع از قرار قبض عالی جاه متولی و ناظر سرکار به تاریخ شهر جمادی الاول سنّه ۱۱۵۲، که به رقم

به موجب بروات رسید شش ماهه نقدي اول هذه السنّه ۹۷۷ تومان

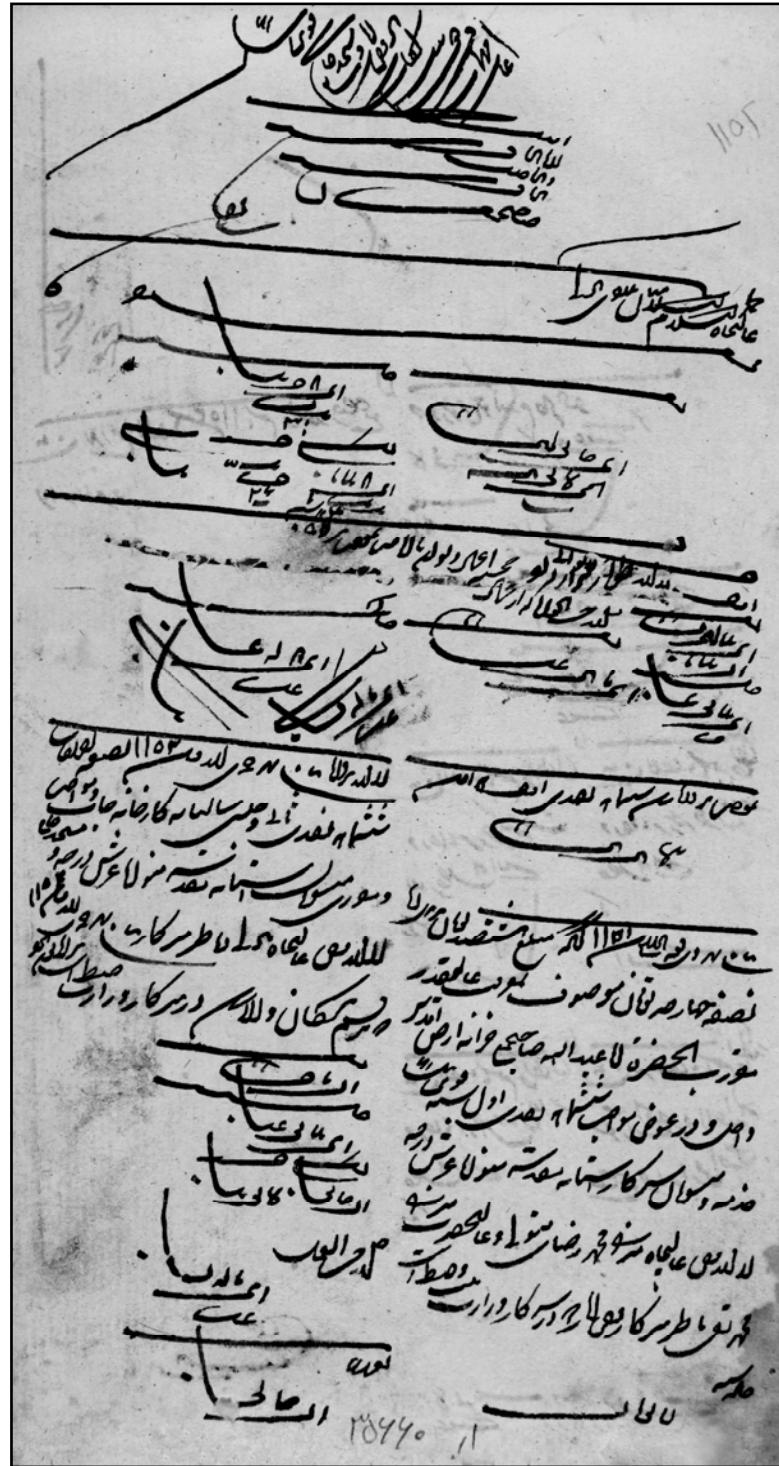
به تاریخ شهر ذی قعده الحرام سنّه ۱۱۵۱ آن که مبلغ هشتصد تومان تبریزی را نصفه چهارصد تومان موصوف به معرفت عالی قدر



بندگان والا رسید.	در سرکار وزارت ضبط است برات نوشه
شود.	نقد
١١٥٠ تومان	جنس
٢٣٢٩ خروار	گندم جو
٧٣٩ خروار	١٥٩٠ خروار
به قرار حسب العمل	٢١٨١ خروار و ٢٠ من
مقررًا	١٥٩٠ خروار

مقرب الحضرت آقا عبدالله صاحب جمع
خزانه ارض اقدس واصل و در عوض
مواجب شش ماهه نقدی اول سنه قوی ئیل
خدمه و منسوبان سرکار آستانه مقدسه منوره
عرش درجه، از قرار قبض عالی جاه میرزا
محمد رضای متولی و عالی حضرت میرزا
محمد تقی ناظر سرکار بیض آثار که در سرکار
وزارت ثبت و ضبط است، داده شد.

٨٠٠ تومان



سند شماره چهار

پیوست‌ها

- ۱- منصور، صفت گل، «میراث صفویان؛ تکاپوی نادرشاه ساخت نهاد وقف در عهد افشاریه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال یکم، ش ۱، بهار ۷۹، ص ۲۶۲-۲۶۴.
- ۲- ترک سبّ و رفض خلفای راشدین و اعلام آیین جعفری به عنوان رکن پنج اسلام از جمله شرایط نادر در هنگام تاج گذاری بود. ر.ک: میرزا مهدی خان استرآبادی، جهانگشای نادری، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۱، ص ۲۱۰-۲۱۱.
- ۳- محمد‌کاظم مروی، عالم آرای نادری، تصحیح دکتر محمد امین ریاحی، تهران، علمی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۵۵.
- ۴- جیمز بیلی، فریزر، تاریخ نادر شاه افشار، ترجمه ابوالقاسم ناصر الملک، تهران، پاسار گاد، ۱۳۶۳، ص ۸۳.
- ۵- منصور، صفت گل، همان، ص ۲۶۷.
- ۶- سندهای شماره ۳۵۰۳۵، ۳۵۰۳۷، ۳۵۰۳۶ و ۳۵۰۲۰۶ و ۴۴۹۲۵.
- ۷- منظور از سرکار فیض آثار، آستان قدس رضوی است.
- ۸- سندهای شماره ۳۵۰۴۰۴، ۳۵۰۳۳ و ۳۴۷۵۰.
- ۹- سندهای شماره ۶ و ۳۵۹۷۸/۱ و ۳۵۱۷۸/۱.
- ۱۰- سندهای شماره ۳۵۴۰۲، ۳۵۴۰۱ و ۳۴۶۶۴.
- ۱۱- در اسناد سال ۱۱۵۳ ق. نکته قابل توجهی دیده می‌شود. در این سال از تعدادی مزارع نام برده می‌شود که تا پیش از این نامشان در اسناد آستانه نبوده و هیچ گاه جزء موقوفات آستانه نبوده‌اند اما مربوط به محدوده جغرافیای مشهد بوده و در اسنادی با سربرگ «صورت جمع و خرج هذه السنة مشهد مقدس معلمی» نوشته شده‌اند که مشخص می‌کنند این اسناد اوراق حکومتی هستند اما مسئله‌ای که تا پیش از این دیده نشده بود، ذکر کلماتی نظیر «خالصه قدیم»، «خالصه ضبطی هذه السنة»، «تیولات ضبطی» و یا «زراعات ضبطی» است. به نظر می‌رسد تعمق و تأمل دقیق پیرامون هریک از این واژه‌ها خود، نیازمند بحثی جداگانه است.
- ۱۲- طومار علیشاھی (متن بازخوانی شده)، به اهتمام مرکز خراسان شناسی، مشهد، ۱۳۷۹، ص ۱۵.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- ابوالفضل، حسن‌آبادی، «متولیان آستان قدس از دوره صفویه تا افشاریه»، دفتر اسناد، به کوشش زهرا طلایی، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵، ج ۲ و ۳، ص ۷۹.
- ۱۵- سندهای شماره ۳۲۵۲۲، ۳۳۳۸۰/۲، ۳۲۵۲۲/۵ و ۳۱۸۵/۵.

- .۱۶- سندهای شماره ۳۲۴۶۴، ۳۲۵۰۷ و ۳۲۷۲۵.
- .۱۷- سندهای شماره ۳۷۱۰۹/۱، ۶۲۴۱۱ و ۳۵۶۶۰.
- .۱۸- سندهای شماره ۳۵۳۲۹/۵، ۳۵۰۳۷/۱ و ۳۸ و ۲۶.
- ۱۹- میرزا محمدباقر، رضوی، شجره طیبه، به کوشش سید محمدتقی مدرس رضوی، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳.
- .۲۰- سند شماره ۳۳۳۸۰/۲.
- .۲۱- ابوالفضل، حسن‌آبادی، همان.
- .۲۲- سندهای شماره ۳۶۳۶۹ و ۳۳۳۸۰.
- .۲۳- سند شماره ۳۳۳۸۰.
- .۲۴- سندهای شماره ۳۵۱۸۵، ۳۵۹۸۲ و ۳۷۰۱۳.
- .۲۵- سند شماره ۹ و ۸ و ۵.
- .۲۶- سند شماره ۳۵۱۸۵/۲.
- .۲۷- سندهای شماره ۶۲۴۱۱/۱، ۳۷۱۰۹/۳، ۳۵۵۱۰/۱ و ۱.
- .۲۸- سند شماره ۳۵۶۱۷/۱.
- .۲۹- سندهای شماره ۳۷۱۰۹/۲، ۳۵۶۰/۱ و ۶۲۴۱۲/۲.
- .۳۰- سند شماره ۶۲۴۱۱/۱.
- .۳۱- سندهای شماره ۳۵۶۱۸، ۳۵۶۶۰ و ۳۵۹۸۰.
- .۳۲- سند شماره ۳۵۱۸۵/۱.
- .۳۳- سندهای شماره ۳۵۱۷۰/۱.
- .۳۴- طومار علیشاھی، همان، ص ۱۵.
- .۳۵- سندهای شماره ۳۵۴۲۵، ۳۵۴۲۶ و ۳۵۴۲۴.
- .۳۶- سند شماره ۳۲۰۹۱/۳۱.
- .۳۷- طومار علیشاھی، همان، ص ۲۰ و ۲۱.